

جهانی شدن شعارهای انقلاب اسلامی و مناسک حج ابراهیمی

مهدی حسین زاده فرمی^۱

چکیده

مقاله پیش رو از بخش های مختلف تشکیل شده است که مطالعه اولویت دار و منظم آن، به فهم بیشتر مقاله کمک می کند و چه بسا اجتناب ناپذیر می نماید. در بخش اول به کلیات پرداخته می شود. در بخش های بعدی مقاله تلاش شده است که از زوایای مختلف، شعارهای انقلاب اسلامی و پدیده جهانی شدن و ویژگی های مناسک حج بررسی شود. مهم ترین بخش نظری این مقاله، نظریه های مختلف جهانی شدن است، و با روش کتابخانه ای و تحلیل محتوا، اطلاعات مورد نظر جمع آوری و تحلیل شده اند. برای نتیجه گیری، درباره شعارهای انقلاب اسلامی، خصوصیات پدیده جهانی شدن و ویژگی های مناسک حج ابراهیمی تحلیل محتوایی صورت می گیرد تا مشخص شود که اهداف و آمال تجلی یافته در شعارهای انقلاب اسلامی ایران، با خصوصیات و اهداف پدیده جهانی شدن چه نسبتی دارد. دیگر

۱. استادیار جامعه شناسی دانشگاه کاشان.

اینکه، در این تحلیل محتوا، نسبت ویژگی های مناسک حج، با شعارهای انقلاب اسلامی و خصوصیات جهانی شدن جست و جو می شود.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، شعارهای انقلاب، جهانی شدن، حج، مناسک حج ابراهیمی، تشابه، تفاوت، نظریه های جهانی شدن، تحلیل محتوا.

مقدمه

تاریخ پرفرازونشیب جوامع بشری، اعصار مختلفی را به خود دیده است و هر دوره ای برای خود مفاهیم و ارزش های محوری خاص را پیگیری می نماید. با تأمل در چند دهه اخیر، می توان دریافت که این عصر نیز حاوی مفاهیم و نگرش های خاصی است که توجه به آنها می تواند راهگشای بسیاری از سؤالات و ابهامات باشد. بی تردید مفهوم مهمی چون «جهانی شدن»^۱ را می توان شاخص مهم و اساسی برای بشر حال حاضر تلقی کرد که دامنه تأثیرات آن، از اجتماعی ترین مسائل بشری تا فردی ترین و خصوصی ترین آنها را دربرمی گیرد. جهانی شدن، ایده و پدیده ای است که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، گریز از آن نداریم. اگر واقع گرایانه بنگریم، ما درون جهانی شدن هستیم، گرچه شاید هنوز اطلاع درست و عمیقی درباره آن نداشته باشیم. مناسک حج ابراهیمی، برای مؤمنان به دین اسلام، بسیار شاخص است. این مناسک، همه ساله به دو شکل تمتع و عمره انجام می شود. وقوع انقلاب اسلامی نیز به عنوان یک پدیده بی نظیر در دوره معاصر، ویژگی های منحصر به فردی دارد که نکات فراوانی را می توان در نسبت با ویژگی های پدیده جهانی شدن و مناسک حج جست و جو کرد. مقاله حاضر، از بخش های متفاوتی تشکیل شده است که مطالعه اولویت دار و منظم آن، به فهم بیشتر آن کمک می کند و چه بسا اجتناب ناپذیر می نماید.

1. Globalization.

۱. کلیات

طرح مسئله

هر انقلابی دارای شعارهایی برخاسته از ایدئولوژی انقلاب، ایمان، آمال و احساسات عمیق و انقلابی توده‌هاست؛ توده‌هایی که شعارها را با خون خود فریاد می‌کنند. این شعارها بیانگر نگرش ایدئولوژیک انقلاب، انقلابیون و توده‌های انقلابی درباره وضع موجود، اهداف و ویژگی‌های نظام آرمانی و نحوه انتقال جامعه از وضع موجود به وضع آرمانی است. از این‌روست که شعارهای هر انقلاب، از میراث‌ها و اسناد گران‌بهای آن و از مهم‌ترین منابع مطالعه فرایندهای انقلابی، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، دوستان و دشمنان انقلاب و ارزیابی میزان موفقیت آن است. بنابراین ضروری است که این اسناد و میراث به دقت جمع‌آوری و حفظ گردد و به نسل‌های آینده کشور سپرده شود.

شعارهای انقلاب، از نظر معرفتی نیز حایز اهمیت فراوانی است. از آنجاکه شعارهای انقلاب، پایه‌پای انقلاب پیش می‌روند، همه رویدادهای مهم انقلاب از وضعیت رژیم پیشین گرفته تا چگونگی سرنگونی آن و موقعیت‌های پس از سرنگونی و چگونگی شکل‌گیری نظام جدید و اهداف و آرمان‌های انقلابیون را دربردارد. بدین سبب شعارهای انقلابی، برای جامعه شناسان انقلاب و سیاسی، از بهترین منابع مطالعه و تجزیه و ابعاد مختلف پدیده انقلاب به شمار می‌روند. بی‌تردید شعارهای انقلاب اسلامی ایران، گنجینه فشرده و پرمعنایی از مفاهیم و آرمان‌های بنیادی انقلاب هستند که مطالعه و تحلیل آنها می‌تواند در نقد و بررسی انگیزه‌ها، اهداف، عملکرد و دستاوردهای این انقلاب، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. شعارها در فرایند پیروزی انقلاب و مراحل پس از آن در ایران، از چنان نقش مهمی برخوردارند که «هیچ انقلابی تا کنون بدین اندازه شعارهای انقلابی نداشته و تا آنجا که می‌دانم در مورد هیچ انقلابی

در دنیا، مطالعه درباره شعارهای آن به صورت دقیق صورت نگرفته است.^۱ انقلاب اجتماعی ایران در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی مطابق ۱۹۷۸ میلادی اتفاق افتاد که به اعتقاد صاحب نظران حوزه انقلاب و جنبش‌های سیاسی، از معدود انقلاب‌های بزرگ اجتماعی دنیاست. این اتفاق بزرگ، در برهه زمانی فوق، تقریباً هم‌زمان و هم‌عصر با تحولات «جهانی شدن» شد. «دیوید هلد» در سال ۲۰۰۰م در کتاب «دنایای جهانی شده» تأکید می‌کند که «پدیده جهانی شدن، یکی از بحث‌انگیزترین مباحث در بیست سال گذشته است».^۲

بنابراین فرایند پیروزی انقلاب اسلامی ایران و همچنین فرایند ظهور و پیشرفت جهانی شدن، در یک پانل زمانی واحدی اتفاق افتاده است. جهانی شدن که پدیده‌ای چندبعدی و چندوجهی را به ما می‌نماید، نمونه دیگری از مطالعات بین‌رشته‌ای را بنیان نهاد.^۳ «به هم‌فشرده‌گی زمانی و مکانی»، «همگانی شدن» و «مشارکت جهانی» از ویژگی‌های مهم پدیده جهانی شدن است، که روند و حرکت صعودی دارند. یعنی فرایند جهانی شدن با ویژگی‌هایش یک پدیده زنده و جلورونده است و کل جهان را هدف گرفته است. مسئله‌ای که انگیزه نوشتن این مقاله است، مسئله «شباهت در عین تفاوت» است. شباهت از نظر قلمرو زمانی و تفاوت از نظر محتوایی و جهتی؛ یعنی اینکه با پیشرفت علوم کامپیوتری و اطلاعاتی، ظهور شرکت‌های تجاری بین‌المللی، ظهور سازمان‌ها و نهادهای سیاسی - اجتماعی بین‌المللی و... که صنعت هم‌زمان ارتباطات و اطلاعات را گسترش دادند، نقش و نیروی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی را بیشتر کردند و تا حدی قدرت دولت‌های ملی را تضعیف نمودند و از همه مهم‌تر اینکه، نیاز

۱. جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، محمدحسین پناهی، ۱۳۸۳، ص ۱۰.

2. Held, D. (2000) A Globalizing word? Culture, Economics, politics: The open university press Routledge.

۳. وجوه اقتصادی، فنی، فرهنگی و سیاسی که صاحب‌نظران از هر وجه به این پدیده توجه دارند.

متقابل در دنیا یک امر بدیهی انگاشته می‌شود. انقلابی بزرگ در یک کشور و منطقه‌ای مهم روی داد که به نظر می‌رسد در اهداف، آمال و شعارهای خود، به عوامل جهانی فوق‌بی‌اعتنا بوده است. پس مسئله این مقاله، مسئله چرایی نیست، بلکه مسئله چگونگی است؛ یعنی چگونگی نسبت بین سه وجه انقلاب اسلامی، جهانی‌شدن و مناسک حج. به عبارت دیگر آیا با مطالعه شعارهای انقلاب اسلامی ایران، اهداف انقلاب اسلامی و نخبگان آن، که به نوعی در شعارها تجلی یافته است، با خصوصیات پدیده جهانی‌شدن و ویژگی‌های مناسک حج ابراهیمی شباهت دارد یا نه. به عبارت روشن‌تر، مسئله در چگونگی فهم مطالعه تطبیقی مناسک حج و انقلاب اسلامی در بستر جهانی‌شدن است. بنابراین در این مقاله، سه وجه «جهانی‌شدن»، «انقلاب اسلامی» و «مناسک حج» مورد توجه است و نسبت بین آنها و چگونگی شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان جست‌وجو می‌شود.

چارچوب نظری

مقاله در سطح «توصیف» و مطالعه «چگونگی»، نیاز چندانی به چارچوب نظری ندارد؛ اما برای جهانی‌شدن و فهم بهتر آن و استفاده بهتر برای مقایسه در نتیجه‌گیری، به طور اختصار به مبحث نظری جهانی‌شدن اشاره می‌شود. به طور کلی نظریه‌های جهانی‌شدن، با نگرش‌های متفاوتی مورد بحث قرار گرفته است. «مارتین لی» با چند معیار متفاوت به تقسیم‌بندی نظریه‌های جهانی‌شدن پرداخته است:

۱. با نگاه آرمان‌نگری به جهانی‌شدن، بین دیدگاه تندروهای جهانی‌گرا و شک‌گراها

تفاوت قایل است؛

۲. از حیث تأثیرات، جهانی‌شدن را به جهانی‌شدن مثبت و منفی تقسیم کرده است؛

۳. با معیار هژمونیک و سلطه‌آمیز بودن جهانی‌شدن، دیدگاه نئولیبرال‌ها را در مقابل

نئومارکسیست‌ها قرار داده است؛

۴. با نگاه فرهنگی به جهانی شدن، دیدگاه همگن سازی را در مقابل ناهمگن سازی قرار داده است.^۱

«رونالد رابرتسون»، جهانی شدن را فراگیرتر، و چرخه دوم را منعکس کننده جهانی شدن های متکثری تلقی کرده است که در حلقه های همگن جهانی، با توجه به تمایلات حرفه ای، دینی، قومی، زبانی و حتی جنسیتی شکل می گیرد.^۲ دیگر اینکه، در مطالعه نظریه های جهانی شدن، لازم است بین جهانی شدن های «شناختی» و جهانی شدن های «غیرشناختی»، تمایز قایل شد. جهانی شدن های شناختی، بر عمق اندیشه انسان ها نفوذ می کند و حوزه های معرفتی جدید را به وجود می آورد؛ ولی جهانی شدن های غیرشناختی، منعکس کننده تغییر سطحی است که در مسیر زندگی فرد به وجود می آید. به نظر می رسد که بسیاری از تغییرات دوره معاصر، ناظر بر جهانی شدن غیرشناختی است، که سطحی است و صرفاً جنبه نمایشی و ظاهری فرهنگ را تغییر می دهد؛ مثل لباس پوشیدن، آرایش کردن و انتخاب سرگرمی های زندگی روزمره.^۳

فرضیه مقاله

با پذیرش مطالعه تطبیقی، ویژگی های مناسک حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی، در بستر فرایند جهانی شدن، فرضیه مقاله به صورت زیر تدوین می شود: «به نظر می رسد ویژگی های مناسک حج ابراهیمی و اهداف و آمال تجلی یافته در شعارهای انقلاب اسلامی، در بستر خصوصیات پدیده جهانی شدن، متفاوت باشند».

۱. جهانی شدن ها، مفاهیم و نظریه ها، سعید رضا عاملی، فصلنامه ارغنون، ۱۳۸۱، ص ۳۱.

2. Robertson .R. (1992) Globalization: London .sage press.

۳. جهانی شدن ها، مفاهیم و نظریه ها، ص ۳۲.

روش مطالعه

در مطالعه و بررسی «چگونگی» رابطه جهانی‌شدن، شعارهای انقلاب اسلامی و مناسک حج، نمی‌توان به «تبیین» اندیشید. بلکه در سطح «توصیف» خواهیم ماند؛ توصیف تفاوت یا شباهت ویژگی‌ها، آمال و اهداف. دلیل اصلی توصیف چگونگی رابطه و نسبت سه موضوع فوق، هم‌زمانی و هم‌عصری وقوع دو پدیده جهانی‌شدن و انقلاب اسلامی از یک طرف و شباهت محتوایی جهانی‌شدن و مناسک حج از طرف دیگر است که تأمل صاحب‌نظران را برمی‌انگیزاند. دو روش در این مقاله، حضوری پررنگ دارند: ۱. روش مطالعه کتابخانه‌ای - اسنادی؛ این روش که به بررسی و مطالعه مطالعات موضوع مقاله در بین کتب، مقاله‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها، روزنامه‌ها و اسناد می‌پردازد؛ ۲. روش تحلیل محتوا که برای تجزیه و تحلیل این سه بخش مقاله، از این روش استفاده شده است و برای چنین تحقیقاتی، مناسب‌ترین روش است. برای مثال، در این مطالعه، سند و متنی که باید با روش تحلیل محتوا بررسی شود، نمونه‌هایی از مجموعه شعارهای جمع‌آوری شده است. البته منظور از هر یک از شعارها، مفاهیم، مضامین و معانی شعارهاست که به عنوان واحد ثبت در نظر گرفته می‌شود. درباره نمونه‌های منتخب در تحلیل محتوا برای استفاده در مقاله، باید گفته شود که از مجموع ۴۱۵۳ شعار جمع‌آوری شده، تعداد ۴۹ شعار انتخاب شدند که مورد تحلیل محتوا قرار می‌گیرند.

از طرف دیگر، تعاریف، مفاهیم، تفاسیر و معانی وی، که از جهانی‌شدن و مناسک حج در بین صاحب‌نظران اجماع پیدا کرده است مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و با روش تحلیل محتوا، مفاهیم، مضامین و معانی مشترک آنها، استخراج می‌شود و با مفاهیم، مضامین و معانی شعارهای انقلاب اسلامی، مقایسه می‌شود تا بتوان شباهت‌ها یا تفاوت‌ها را که هدف مقاله است، دریافت.

۲. شعارهای انقلاب اسلامی ایران

از مهم ترین عناصر فرایند هر انقلابی، ایدئولوژی آن است که رهبران انقلاب، آن را به عنوان عامل اساسی تبیین کننده نابسامانی های وضع موجود و علت مشروعیت نداشتن نظام حاکم و حکام آن و همچنین مشخص کننده ماهیت و ویژگی های نظام آرمانی جایگزین نظام فعلی، مورد استفاده قرار می دهند. علاوه بر این، به کمک ایدئولوژی انقلاب است که استراتژی انقلاب و بسیج انقلابی و چگونگی انتقال از وضع موجود به وضع آرمانی، مشخص می شود. بنابراین مطالعه دقیق ایدئولوژی هر انقلابی برای شناخت آن ضرورت دارد. از آنجاکه ایدئولوژی انقلاب، نقش بسیار مهمی در پیشبرد انقلاب ایفا می کند، مطالعه آن نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. یکی از طرق مطالعه ایدئولوژی هر انقلابی، مراجعه به گفته ها و نوشته های رهبران آن است. طریق دیگر، مراجعه به شعارهای انقلابی است. شعارهای هر انقلاب، چکیده ای از ایدئولوژی آن انقلاب است که در قالب عبارت ها و جمله های کوتاه، مهیج، شورآفرین، موزون، وحدت بخش، جهت دهنده و حرکت آفرین در بین انقلابیون و توده های انقلابی مطرح می شوند و عامل اساسی بسیج انقلابی می گردند. علاوه بر آن، شعارهای هر انقلاب می تواند زوایای مهم دیگری از فرایند انقلاب مانند شناخت انواع گروه های درگیر در انقلاب و دوستان و دشمنان واقعی و ایدئولوژیکی انقلاب را روشن سازد. بنابراین، با توجه به ویژگی های شعارهای انقلابی می توان «شعار انقلابی» را این گونه تعریف کرد: «شعار انقلابی عبارتی نسبتاً موزون، ساده و عامه فهم است که معمولاً دسته جمعی ادا می شود و با تکیه بر عواطف و احساسات توده ای، ارزیابی مثبت و منفی ای از وضع موجود یا وضع ایده آل یا شخصیت های سیاسی آنها به دست می دهد» و «شعار انقلابی» با قضاوت ارزشی به توده ها جهت می دهد و آنها را دعوت به عمل سیاسی جمعی

می‌کند تا نظام حاکم را براندازد و نظامی آرمانی را جایگزین آن کنند.^۱ باید به این نکته نیز توجه داشت که شعارهای انقلاب، به طور خالص، ایدئولوژی انقلاب را نشان نمی‌دهند؛ زیرا در فرایند هر انقلاب ممکن است ایدئولوژی‌های مختلفی مطرح گردند و بر مبنای هریک از آنها نیز شعارهایی از طرف حامیانشان مطرح شود. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. اما هرچه یک ایدئولوژی انقلابی در مقایسه با ایدئولوژی‌های دیگر، غالب‌تر، نیرومندتر و فراگیرتر باشد، شعارهای بیشتری بر مبنای آن مطرح خواهد شد. در نتیجه، بدنه اصلی شعارهای انقلاب ایران مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی انقلاب بوده است و منعکس‌کننده آن خواهد بود. بنابراین از آنجاکه در انقلاب ایران، ایدئولوژی انقلاب، اسلامی بوده و سایر ایدئولوژی‌های مطرح‌شده در حاشیه قرار داشته‌اند، غالب شعارهای مطرح‌شده در انقلاب، منعکس‌کننده ایدئولوژی اسلامی بوده‌اند.

خاستگاه سه‌گانه شعارهای انقلاب

به نظر می‌رسد، شعارهایی که طرف‌داران انقلاب ایران تدوین و مطرح کرده‌اند، سه خاستگاه عمده داشته باشد:

۱. رهبران انقلاب؛
 ۲. گروه‌های سازمان‌یافته درگیر (مسامحتاً احزاب)؛
 ۳. توده‌های انقلابی شرکت‌کننده در انقلاب.
- پرواضح است که سهم هریک از خاستگاه‌های سه‌گانه، در تدوین و ارائه شعارها، یکسان نیست و به نوعی هریک از خاستگاه‌ها وظیفه خاصی از مراحل شعارسازی و شعاردهی را به عهده داشته است. برای مثال، رهبران و گروه‌های سازمان‌یافته انقلابی

۱. جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، محمد حسین پناهی، ۱۳۸۳، ص ۴۹.

بیشتر در مرحله شعارسازی و توده های انقلابی که بیشتر از طریق تظاهرات خیابانی نمود عینی پیدا می کردند، در مرحله شعاردهی و شعارگویی انجام وظیفه می کردند.

قلمرو زمانی جمع آوری شعارها و تعداد آنها

برای جمع آوری شعارها همه منابع مربوط به انقلاب اسلامی ایران که به صورت چاپی یا دست نوشت وجود داشت، مورد بررسی قرار گرفت و شعارهای موجود در آنها بررسی و استخراج شد. بدین ترتیب، بیش از ۸۲۰۰ عبارت که تحت عنوان «شعار» در منابع مختلف ضبط شده و مربوط به دوره زمانی دی ماه ۱۳۵۶ تا مهر ۱۳۶۰ بود، گردآوری شد. از آنجاکه بسیاری از این عبارات نمی توانستند شعار انقلابی محسوب شوند، ضرورت داشت شعارهای واقعی از غیرشعارها جدا گردد. برای این کار تعریفی از شعار انقلابی، با دید جامعه شناختی ارائه شد و بر آن مبنا شعارهای واقعی انقلاب از شعارهای غیرواقعی جدا گشت. حاصل نهایی این مرحله از کار ۴۱۵۳ شعار بود.^۱

از بین شعارهای استخراج شده براساس موضوع مقاله که نسبت شعارها با پدیده جهانی شدن و مناسک حج است، تعداد ۴۹ شعار که نسبتها را روشن می کردند، انتخاب شده است. یادآوری می شود که سعی شده است از شعارهای تکراری استفاده نشود و شعارهایی را که بتوان از آنها مفاهیم، مضامین و معانی را برای تأیید فرضیه مقاله، به کمک روش تحلیل محتوا استخراج کرد، انتخاب شود.

شعارهای منتخب الفبایی شده انقلاب اسلامی با توجه به موضوع مقاله

۱. آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی.
۲. آزادی، استقلال، حکومت اسلامی.
۳. آزادی، استقلال، حکومت قانون.

۱. جامعه شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، صص ۱۰ و ۳۰.

۴. آزادی، نه شرقی، نه غربی، جهانی است.
۵. آمریکا، آمریکا، تو پیرو یزیدی، ما پیرو حسینیم.
۶. آمریکا، استقلال و آزادی، جمهوری اسلامی خصم تو باشد، خشم تو باشد.
۷. آمریکا، اسرائیل، انگلیس، همدست شاه جلد.
۸. آمریکا اسیر است، چین و روس ذلیل است.
۹. آمریکا، سازش با تو محال است.
۱۰. آمریکا، شوروی، چین، انگلیس، علیه ملت‌های محروم.
۱۱. آمریکایی بیرون شو، وگرنه می‌کشیمت.
۱۲. اجناس آمریکایی، تحریم باید گردد.
۱۳. استعمار، استبداد، استثمار نابود است.
۱۴. استعمار چپ و راست، کوبنده‌اش روح‌الله است.
۱۵. استقلال، آزادی، جای شهدا خالی.
۱۶. استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، رهبرش خمینی.
۱۷. استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی.
۱۸. استقلال، آزادی، نه شاه مادرزادی.
۱۹. استقلال، آزادی، هدف جمهوری اسلامی.
۲۰. استقلال، استقلال، این است ندای قرآن.
۲۱. اسلام پیروز است، چپ و راست نابود است.
۲۲. امپریالیست خون‌خوار، با کارتر تبهکار، از صحنه جهانی نابود باید گردد.
۲۳. امپریالیسم خون‌خوار نابود باید گردد.
۲۴. امپریالیسم، کاپیتالیسم، صهیونیسم، مثلث استعمار.
۲۵. ای کارتر، ای کارتر، درنده همچون گرگی به گفته خمینی، شیطان بزرگی.
۲۶. بریدن از شرق و غرب، تداوم انقلاب ماندن فرهنگشان، نابودی انقلاب.
۲۷. بعد از شاه، نوبت آمریکا و شوروی است.

۲۸. توطئه چپ و راست، نابود باید گردد.
۲۹. جمهوری اسلامی، پیروز است، دنباله‌رو شرق و غرب نابود است.
۳۰. چپ و راست، دشمن کشور ماست.
۳۱. درود بر خلق فلسطین، فیلیپین، ارتیره و ایران، دشمن سرمایه‌دار.
۳۲. ریگان، ریگان، مرگت باد.
۳۳. سازش با آمریکا، ضربه به انقلاب است.
۳۴. سازش با آمریکا، هرگز امکان ندارد، اما امت ما، سر سازش ندارد.
۳۵. سازش‌کار را باید کشت، چه با تفنگ چه با مشت.
۳۶. سازش‌کار، سازش‌کار، دشمن انقلابی.
۳۷. سازش‌کاری با آمریکا حرام است، این منطق روح خدا امام است.
۳۸. سفارت آمریکا، این لانه جاسوسی، تعطیل باید گردد.
۳۹. سگ آمریکایی (شاه) به لانه برگشت.
۴۰. لاشرقیه، لاغریه، ثوره، ثوره، اسلامیّه.
۴۱. مرگ بر آمریکا و شوروی.
۴۲. مرگ بر آمریکای امپریالیست.
۴۳. مرگ بر فرانسه، مرگ بر میتران (رئیس‌جمهور وقت فرانسه).
۴۴. نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی.
۴۵. نه شرقی، نه غربی، جمهوری دموکراتیک اسلامی.
۴۶. نه آمریکا، نه روسیه، ایران متکی به خود.
۴۷. نه آمریکا، نه شوروی، حکومت عدل علی.
۴۸. نه آمریکا، نه شوروی، فقط ایران اسلامی.
۴۹. نه شرقی، نه غربی، حکومت اسلامی.^۱

۱. جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، صص ۷۰-۱۷۸.

بنابراین به طور کلی شعارهای منتخب را می توان در دو محور جداگانه دید:

۱. شعارهای مربوط به نظام ها و شخصیت های بین المللی؛

۲. شعارهای مربوط به نظام آرمانی آینده.

۳. جهانی شدن

واژه جهانی شدن، غالباً مترادف با یک یا چند پدیده از پدیده های زیر به کار می رود:

۱. دنباله روش های لیبرالی کلاسیک (بازار آزاد) در اقتصاد جهانی (جهانی شدن اقتصاد)؛

۲. گسترش تکنولوژی های خبررسانی جدید (انقلاب اینترنتی)؛

۳. یک جامعه واحد متحدالشکل که در حال تحقق است (یکپارچگی جهانی)؛

۴. حاکمیت رو به رشد قالب های غربی (حتی آمریکایی) زندگی سیاسی، اقتصادی و

فرهنگی در سایر نقاط جهان (غربی شدن یا آمریکایی شدن).

پس جهانی شدن، به بیان ساده، به معنای گسترش مقیاس، رشد اندازه، سرعت یافتن و

تعمیق تأثیر فراقاره ای جریانات و الگوهای تعامل اجتماعی است. جهانی شدن، حاکی از

جابه جایی یا دگرگونی در مقیاس سازمان دهی انسانی است که جوامع دوردست را به

یکدیگر متصل می کند و دسترسی به روابط قدرت را در مناطق و قاره های دنیا گسترش

می دهد. جهانی شدن به عنوان یکی از بحث انگیزترین پدیده ها در چند دهه گذشته که

دارای منابع و مراجعی چون روزنامه، رادیو، تلویزیون، اینترنت، شبکه های ماهواره ای و

مخابرات است، به نظر «دیوید هلد»، زمانی در علوم اجتماعی از تأیید برخوردار می شود

که از نظر مفهومی، نظری و تجربی قابل دفاع باشد.^۱

به طور کلی می توان گفت که چند دسته نگرش در باب جهانی شدن وجود دارند. بدیهی

1. Held, D. (2000) A Globalizing word? Culture, Economics, politics: The open university press
Routledge. P2.

است که این نگرش‌ها، با درجات کم یا زیاد در فاصله، تفاوت و تشابه نسبت به یکدیگر قرار دارند؛ یک دسته از این نظریات، قایل به این تعبیر هستند که جهانی شدن، به‌عنوان یک فرایند اجتماعی، تداوم جریان مدرنیته است. «آنتونی گیدنز» نماینده اصلی این‌گونه تفکر است و عموماً کسانی که قایل به چنین مفروضی هستند، به وی ارجاع می‌دهند.^۱

از سوی دیگر، برخی محققان و نظریه پردازان، مقوله جهانی شدن را از انواع مقولاتی می‌دانند که در حوزه «پست مدرن» قرار می‌گیرد. «زیگموند بامن» نماینده این جریان است.^۲ اما «آلبرو»، جامعه‌شناس نامی، اصرار دارد که عصر جهانی (The Global Age)، نه تداوم مدرنیته است و نه بیانگر آنچه پست مدرن‌ها بر آن تأکید دارند.^۳

«واترز» در کتاب معروف خود «Globalization»، جهانی شدن را گونه‌ای از تبادلات می‌شناسد که پس از دو نوع تبادل دیگر، یعنی تبادل اقتصادی و تبادل سیاسی شکل گرفته است.^۴

در تعبیری کاملاً فرهنگی، جهانی شدن به‌عنوان فرایند یکدست شدن فرهنگی و تبادلات مستمر فرهنگی دیده می‌شود که حاصل فشرده شدن دنیا و نفوذ متقابل فرهنگ و اقتصاد است. «رونالد رابرتسون» که واضع این نظریه است، حوزه جهانی را حاصل پیوند چهار عنصر «فرد، جامعه ملی، نظام بین‌المللی جوامع و بشریت» در کل می‌بیند.^۵

چیستی جهانی شدن؛ ویژگی‌ها و تعاریف

ویژگی‌های جهانی شدن:

۱. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که از زمان انقلاب صنعتی، افزایش بی‌سابقه‌ای را در

1. Giddens .A. (1991) Modernity and self Identit: Cambridg .Polity press.p 56.

2. Bauman .Z. (2001) wars of the Globalization Era: European Journal of social theory .l .p23.(1): 11 - 28

3. Albrow .N. (1996) The Global Age: Cambridg .Polity press. P34.

4. Waters .M. (2001) Globalization: London .Routledge press. P15.

5. Robertson .R. (1992) Globalization: London .sage press. P18.

تولید کالاهای مصرفی، اولیه صنعتی و خدماتی نشان می‌دهد؛

۲. ما شاهد یک انقلاب اطلاعاتی - انفورماتیک هستیم؛

۳. فاصله بین کشورهای غنی و فقیر کمتر نمی‌شود؛

۴. تغییرات جمعیتی مهمی در جهان در حال تکوین است؛

۵. جهان به‌طور فزاینده، توان فیزیکی سیرکردن (تحرك مکانی) خود را به دست می‌آورد.^۱

حال به تعریف جهانی‌شدن می‌پردازیم: «جهانی‌شدن عبارت است از فرایند گسترش صنعت هم‌زمان ارتباطات، شیشه‌ای‌شدن مرزهای جغرافیایی و تودرتوشدن فرهنگ‌ها یا فرایند فشرده‌گی فزاینده زمان، فضا و مکان که به‌واسطه آن، جهانیان به‌صورت آگاهانه و ناآگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند».

اگرچه بعضی از محققان خواسته‌اند جهانی‌شدن را در معنای سلبی زیر به کار برند، نظر اغلب جامعه‌شناسان و محققان مطالعات سیاسی و اقتصادی این است که فرایند جهانی‌شدن چنین جهت‌گیری‌هایی را در حال حاضر ندارند:

۱. جهانی‌شدن، روندی نیست که منجر به «یکی‌شدن جهان»^۲ یا «همسان‌سازی مطلق»^۳ در قلمروهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی شود. این به‌دلیل آن است که حتی اگر فرض شود که جهانی‌شدن فرآیندی را به وجود بیاورد که «متن واحدی»^۴ را به صورت استاندارد به همه جهان ارسال کند، به‌دلیل وجود «زمینه‌های متفاوت»^۵ تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در مناطق جهان، نتیجه جهانی‌شدن در این زمینه‌های متفاوت، یکسان نخواهد بود؛

1. Waters .M. (2001) Globalization: London .Routledge press. P17.

2. Unification.

3. Absolute Homogenization.

4. Single text.

5. Different Contexts.

۲. جهانی شدن، همچنین به معنای به وجود آمدن روند «تک فرهنگی گرایی»^۱ جهانی، به صورتی که مردم در سرتاسر دنیا از یک نظام اخلاقی، اعمال مذهبی، جشن ها و سنت های اجتماعی و فرهنگی واحد یا فرهنگ عامیانه یا مثلاً افکار عمومی واحد برخوردار شوند نیز نیست؛

۳. در حوزه سیاست نیز جهانی شدن به این معنا نیست که «دولت – ملت ها»^۲ جای خود را به «دولت جهانگیر»^۳ می دهند؛ یا به عبارتی، دنیا را قدرت واحدی اداره می کند؛

۴. در حوزه اقتصاد هم، جهانی شدن به معنای تک قطبی شدن اقتصادی و نظام واحد اقتصادی که دنیا را اداره بکند، نیست؛ زیرا امروزه در کنار فرایند جهانی شدن، فرایند «منطقه ای شدن»^۴ به صورت جدی در حال شکل گیری است. به وجود آمدن اتحادیه اروپا، بلوک اقتصادی ژاپن، اتحادیه های منطقه کشورهای عربی و... انحصار جهانی اقتصاد را از بین برده است؛

۵. جهانی شدن یک فرایند واحد نیست که شامل همه جنبه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جهانی شود، بلکه «جهانی شدن های بی شماری» در جهان در حال وقوع است. در واقع، صنعت ارتباطات، این امکان را برای همه مقوله های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به وجود آورده است که جهان گیر شوند؛

۶. در نهایت، جهانی شدن مترادف با «بین المللی شدن»^۵ نیست. بین المللی شدن، بیشتر ناظر به مفهومی است که از روابط رسمی بین دولت ها، با نوع خاصی از روابط رسمی

-
1. Mono-culturalism.
 2. Nation – States.
 3. World State.
 4. Regionalization.
 5. Internationalization.

چندجانبه بین مؤسسات فراملی، انتزاع می شود. در صورتی که جهانی شدن به روندهای فراگیر، هم در فضای خصوصی و هم در فضای عمومی^۱، اشاره دارد.^۲

مروری بر نظریه‌های جهانی شدن

در زیر به نظریه‌های جهانی شدن، از نظر برخی صاحب نظران اولیه و اصلی آن، توجه می شود:

۱. رونالد رابرتسون: نظریه جهانی شدن؛ رونالد رابرتسون، جهانی شدن را فرایند پیچیده‌ای می داند که منطق، جهت و نیروی محرک خاص خود را دارد و ازسویی دیگر، به معنای جهانی شدن نهادهای مختلف مانند «جهانی شدن آموزش و پرورش» که وجه مشترک این دو، مفهوم «برکنده شدن» یا انفصال ساختارها و فعالیت ها از زمینه محلی و جهانی شدن آنهاست. لذا جهانی شدن را می توان به معنای «درهم فشردن جهانی» و تبدیل آن به مکان واحد دانست. به نظر ایشان، جهانی شدن معاصر به دلیل سرعت، وسعت و قالب‌های تازه آن که دربرگیرنده چهار مؤلفه عمده است، از قالب‌های قبلی متمایز می شود. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: مرز، جامعه (ملی)، نظام جوامع (بین‌الملل) و نوع بشر که از رهگذر رابطه بین این چهار مؤلفه می توان فرایند جهانی شدن را شناسایی کرد.^۳

۲. آنتونی گیدنز: جهانی شدن اقتصاد؛ آنتونی گیدنز از دیگر متفکرانی است که درباره جهانی شدن و پیامدهای آن به طرح مبانی نظری پرداخته است. گیدنز با تأکید بر اینکه انقلاب در ارتباطات و گسترش فناوری‌های انتقال اطلاعات، پیوندی تنگاتنگ با جهانی شدن دارد، جهانی شدن را به مثابه تبدیل و دگرگونی مفهوم زمان و فضا در زندگی انسان‌ها مورد توجه قرار می دهد. او تأثیرات جهانی شدن را در بعد اقتصاد قابل

1. Public Sphere.

۲. وسایل الشیعه، حرعاملی، ۱۳۷۸، ص ۱۸ - ۱۶.

3. Robertson ,R. (1992) Globalization: London .sage press.p255.

ملاحظه می‌داند و معتقد است: هرچند بیشتر مبادلات تجاری، منطقه‌ای باقی مانده‌اند؛ یک «اقتصاد کاملاً جهانی» در زمینه بازارهای پولی و مالی وجود دارد.^۱

۳. مارتین آلبرو: عصر جهانی؛ مارتین آلبرو متفکر انگلیسی که رویکردی متفاوت به پدیده جهانی شدن دارد، در کتاب خود، «عصر جهانی» به طرح نظرات خود می‌پردازد و از پایان یافتن دوره مدرن و ورود به یک دوره جدید خبر می‌دهد. آلبرو معتقد است که جنگ سرد، فرود انسان بر کره ماه، دهکده جهانی الکترونیکی، پیروزی آمریکا با فروپاشی شوروی و... نشانه پیروزی مدرنیته نبوده، بلکه از ظهور عصر جدیدی حکایت می‌کند که هرچند پس از عصر مدرن آمده است، عصر پسامدرن هم نیست. به عقیده او، جهانی شدن سرآغاز دوره‌ای جدید به نام «عصر جهانی» را مشخص می‌کند؛ عصری که هرگز استمرار از مدرنیته نبوده است و برخلاف نظر کسانی همچون رابرتسون و گیدنز که جهانی شدن را پیامد یک دگرگونی اجتماعی می‌دانند، فرایندی قانونمند نیز نمی‌باشد. از نظر آلبرو، جهانی شدن، این فرضیه‌ها را که دولت ملی می‌تواند چارچوب معنایی مسلطی برای زندگی شهروندان فراهم کند یا اینکه «عقلانیت غربی ذاتاً برتر است»، تضعیف می‌کند.^۲

۴. جان تاملینسون: جهانی شدن و فرهنگ؛ از متفکران دیگری که پدیده جهانی شدن را مورد کنکاش قرار داده و به ویژه در خصوص بعد فرهنگی جهانی شدن، مطالعات جدی و درخور توجهی انجام داده، «جان تاملینسون» است. او معتقد است که عناصر اصلی جهانی شدن، بر بستری قرار دارند که می‌توان آن را «سیاق فرهنگی» نام نهاد. به گفته وی، جهانی شدن، شبکه‌ای به سرعت گسترش‌یابنده و همیشه متراکم‌شونده از

1. Giddens, A. (1991) *Modernity and self Identity*: Cambridg, Polity press.

۲. پیام‌های مدرنیته، آنتونی گیدنز، ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۸۰.

3. Albrow, N. (1996) *The Global Age*: Cambridg, Polity press. p 276.

پیوندهای متقابل و وابستگی‌های متقابل است که وجه مشخصه زندگی اجتماعی مدرن به شمار می‌رود.^۱

۵. یورگن هابرماس: جهانی‌شدن و دموکراسی؛ از دیگر متفکرانی که درباره جهانی‌شدن، ویژگی‌ها و پیامدهای آن، دیدگاه‌های درخور تأملی مطرح کرده، یورگن هابرماس، متفکر آلمانی است. وی جهانی‌شدن را فرایندی می‌داند که بر افزایش دامنه و شدت مناسبات تجاری، ارتباطی و مبادله در فراسوی مرزهای ملی دلالت می‌کند و نیز بیانی از نوع رابطه بشر، تکنولوژی و طبیعت است. هابرماس معتقد است که مفهوم جهانی‌شدن، در موارد بسیاری، همراه ارتباطات تلفنی بین‌قاره‌ای، گسترش گردشگری، فرهنگ توده‌ای، خطرات فناوری، قاچاق اسلحه و... به کار می‌رود؛ اما جهانی‌شدن اقتصاد، مهم‌ترین بعد جهانی‌شدن است. تحولات حاصل از فرایند جهانی‌شدن، همه حصارها، از جمله حصار ملت را می‌شکند و قدرت دولت — ملت را به‌طور مداوم تضعیف می‌کند.^۲

جهانی‌شدن؛ پروسه یا پروژه یا پدیده

در موضوع‌شناسی جهانی‌شدن، یکی از بحث‌هایی که کمتر به آن توجه می‌شود، این است که جهانی‌شدن «پروسه یا فرایند»^۳ است یا «پروژه».^۴ در حالت پروسه‌بودن آن، یک وجه طبیعی دارد؛ یعنی یک روند طبیعی که حاصل پیشرفت تمدن بشری است، حاصل انباشت یک حالت خوش‌بینی و یک نوع عدم طرح قبلی قدرت‌های بزرگ در آن وجود دارد. به‌صورت مفروض، فاعلی و کارگزاری به‌شکل مصنوعی و ساختگی در

1. Tomlinson J. (1991) Cultural Imperialism: Baltimore. Johns Hopkins University press. p 117.

۲. جهانی‌شدن و آینده دموکراسی، یورگن هابرماس، ترجمه کمال پولادی، ۱۳۸۰، ص ۸۷.

3. Proce.

4. Proje.

پس آن طراحی نشده است. اما در شکل پروژه بودن اینکه: امر پروژه گونه و طراحی شده، در واقع امر توطئه گونه ای است که از جهانی شدن به صورت پروژه یا طرح نام می برند که فاعل و کارگزاری در پس این تحولات وجود دارد، نقشه ای در پشت آن است، دشمنان یا رقبا این چرخ را می چرخانند و طراحی می کنند. بنابراین نوعی بدبینی و تفکر و توطئه پشت آن است. به عبارت دیگر همان بحث های غربی شدن و آمریکایی شدن جهان است که بسیاری آگاهانه و ناآگاهانه به آن می پردازند.

شکل سومی هم وجود دارد که نه پروسه است و نه پروژه، بلکه «پدیده» است؛ یعنی یک پدیده اجتماعی است. در شکل سوم، ترکیبی از آن دو هویت قبلی لحاظ می شود؛ یعنی از یک طرف صد درصد پروسه نیست؛ چون به هر تقدیر جهانی شدن در حوزه علوم انسانی دارد اتفاق می افتد و در حوزه علوم انسانی، هم اراده انسان و هم عاملیت انسانی در آن نقش دارد. به خصوص کشورهای پیشرو و قدرتمند که برای کسب منافع بیشتر، مانع از پروسه شدن جهانی شدن می شوند. از طرف دیگر، پروژه ای دیدن صرف هم پذیرفتنی نیست. پس واقعیت ها را که در جهان در حال اتفاق افتادن است، نمی توان نادیده گرفت و دیگر اینکه، انسان، سنگ یا چوب یا کوه نیست که منفعل و بی واکنش باشد. بنابراین، ماده انگاری است اگر جهانی شدن را صرفاً یکی از دو مقوله پروسه یا پروژه بدانیم. واقعیت این است که به هر حال یک بخش هایی از جهانی شدن واقعیت است و طبیعی است و دارد همراه با بلوغ و رشد بشر اتفاق می افتد؛ منتها در این موج جهانی شدن، ابرقدرت ها و کشورهای ثروتمند ممکن است، با توجه به دست بالای که در حوادث دارند، بر این موج سوار شوند. ولی تکثر روزافزون قدرت های جهانی، امکان موج سواری را کمتر و مشکل تر کرده است؛ هرچند کاملاً از بین نبرده است. به عبارت دیگر، «پدیده جهانی شدن» بین پروسه بودن و پروژه بودن، حالت «رفت و برگشتی» دارد.

ضرورت جهانی‌شدن؛ آیا جهانی‌شدن اجتناب‌ناپذیر است؟

به نظر می‌رسد، همه ما فارغ از طبقه، پایگاه یا موقعیت قدرتمان در جامعه، تحت تأثیر فرایند جهانی‌شدن قرار گرفته باشیم. وقتی درباره سرشت و توسعه جهانی‌شدن بحث می‌کنیم، روشن می‌شود که وارد دوران تازه‌ای از جامعه انسانی شده‌ایم و تغییرات گسترده‌ای وجود دارد که در تمام جهان، در قلمرو زندگی روزمره در حال شکل‌گیری است: «جهانی‌شدن در حال شدن و ساخته‌شدن است».^۱ این جمله، فوق جمله‌ای پرمعناست که بر جنبه فرایندی بودن پدیده جهانی‌شدن تأکید دارد. اگر به دقت به واژه جهانی‌شدن توجه شود، پسوند «ation» را در واژه می‌بینیم که به معنای «شدن» است. شدن، به یک جریان تاریخی اشاره دارد؛ جریانی که در دوره طولانی تدوین می‌شود. هر جریان تاریخی، از جمله تجدّد یا نوشدن و عرفی‌شدن خود را بر واقعیت اجتماعی تحمیل می‌کند و از آن‌گیزی نیست. پس پرداختن به فرایند تاریخی جهانی‌شدن، ضروری است و توجه به آن اجتناب‌ناپذیر؛ زیرا متحمل شدن پیامدهای آن اجتناب‌ناپذیر است.

۴. مناسک حج ابراهیمی و اهمیت آن

حج از مهم‌ترین فروع دین اسلام است. مسلمانان با داشتن شرایطی، مکلف‌اند در دهه اول ماه ذی‌الحجه به مسجدالحرام بروند و مجموعه‌ای از اعمال نیایشی را به جا آورند. حج در دین و دوره حضرت ابراهیم علیه السلام، تجدید بنا شد و کلیت آیین‌های حج تمتع و حج عمره (احرام، لمس حجرالاسود، سعی بین صفا و مروه، وقفه در عرفات و رمی جمره) پیش از اسلام نیز رایج بود. اما تعدیلات جدی‌ای در حج اسلامی، نسبت به پیش از اسلام روی داده است. در اهمیت به‌جا آوردن مناسک حج، علاوه بر آمدن سوره‌ای مجزا و مستقل درباره حج، آیات و روایات دیگری نیز آمده است. خداوند در سوره بقره می‌فرماید:

1. Kofman, E and Gillian Youngs. (2003) Globalization, Theory and practice: London, Press continuum, p 17.

درحقیقت، صفا و مروه از شعایر خداست که یادآور اوست. پس هر که خانه خدا را حج کند یا عمره گزارد، بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جا آورد، و هر که افزون بر فریضه، کار نیکی کند، خدا حق شناس و داناست.^۱

همچنین می فرماید:

درحقیقت، نخستین خانه ای که برای عبادت مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک، و برای جهانیان مایه هدایت است. در آن، نشانه های روشن است؛ از جمله مقام ابراهیم است، و هر که در آن درآید، درامان است، و برای خدا، حج آن خانه، بر عهده مردم است. البته بر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد، و هر که کفر ورزد، یقیناً خداوند از جهانیان بی نیاز است.^۲

امیرمؤمنان علی علیه السلام در اهمیت حج می فرماید:

خداوند حج بیت الله الحرام را بر شما واجب کرده است. همان خانه ای که آن را قبله مردم قرار داده است و مردم همچون تشنه کامانی که به آبگاہ می روند، به سوی آن رو می کنند و همانند کبوتران به آن پناه می برند. خداوند آن را مظهر تواضع مردم در برابر عظمتش و تسلیم آنان در برابر عزتش قرار داده است.^۳

امام صادق علیه السلام نیز درباره اهمیت حج می فرماید: «تا زمانی که کعبه استوار و پابرجا باشد، دین پابرجا و افراشته است».^۴

ضرورت و کارکرد حج

عبادت ها در ادیان، جنبه فردی، درونی، ذهنی و روحی، تصفیه و تزکیه اخلاقی و آراستگی فردی داشته اند. این ویژگی ها جزء لاینفک همه عبادات در ادیان و از جمله در

۱. بقره: ۱۵۸.

۲. آل عمران: ۹۶ و ۹۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۴. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴.

اسلام است. اما این تزکیه فرد، این ارتباط درونی با خداوند و این تجلی فرد در اسلام، به صورت انزوا، انفراد و تجرد از زندگی و دورشدن از ماده و غفلت از دنیا و عدم آگاهی از آنچه در محیط می‌گذرد، تجلی نمی‌کند. برعکس، همه وجوه عبادی که جزء اصول عبادات انسانی در اسلام است، به وسیله یک شفیع به خداوند می‌رسد. ارتباط مستقیم فرد با خداوند، در عبادات اسلامی به صورت دورشدن از واقعیت و طبیعت مادی و سرنوشت جامعه و مردم تجلی نمی‌کند. روح فرد از مسیر طبیعت مادی، از مسیر جامعه و زندگی عینی مردم و از طریق گذر بر سرنوشت دیگران به خداوند می‌رسد. توحید، یعنی یگانگی خدا؛ اما انعکاس اجتماعی این اعتقاد در جامعه و تاریخ بشری، یعنی انسان‌ها یکی هستند، نژادها یکی هستند، طبقات یکی هستند، گروه‌ها یکی هستند؛ زیرا همه یک خدا دارند؛ یعنی، حرکت از کثرت به سمت وحدت. بنابراین، داستان حضرت ابراهیم علیه السلام داستان مبارزه با تغییر مسیر تاریخ بشریت است و نهایتاً اینکه، برای شناختن اهمیت و ضرورت حج، باید حضرت ابراهیم را شناخت و برای شناختن عمل حضرت ابراهیم و انقلاب او در تاریخ بشر، باید «بت‌پرستی» و «توحید» را شناخت.

از جلوه‌های مهم حج این است که در سراسر حج و داستان و تاریخ حج، فرد گم می‌شود و «مردم» و «ما» برای اولین بار ظاهر می‌شوند؛ یعنی در میقات حج، «من‌ها» به «ما» تبدیل می‌شوند. عالی‌ترین و انسانی‌ترین «ما»، مایی است که براساس یک اعتقاد و جهت انسانی تشکیل می‌شود؛ یعنی عالی‌ترین مرحله روح و تکامل روح ما، در همبستگی من‌ها، براساس یک فکر، ایمان، اعتقاد و ایدئولوژی است. ما‌های دیگر در این مای نیرومند حل می‌شود؛ زیرا قوی‌ترین روح اجتماعی بشر، روح اعتقادی و ایمانی‌اش است. بنابراین در حج ابراهیمی، در این میعاد خدا و حضرت ابراهیم، بر گرد این خانه، گردابی فشرده و در حال حرکت است. در این گرداب فشرده، فرد وجود ندارد؛ من در ما حل شده است.

به عبارت دیگر، انسان وقتی وارد حریم خانه خدا می‌شود، می‌فهمد که خود این طواف است که او را می‌چرخاند و این ماست که تحقق پیدا کرده است و وحدت فرد را در جمع می‌یابد. در اینجا هیچ کس و هیچ چهره‌ای و نشانه‌ای را تشخیص نمی‌دهد و همچنین هیچ کس او را نمی‌بیند. هم من خودش گم شده، فروریخته و غرق شده است و هم من‌های دیگری که او را به یاد من می‌آورند، می‌بیند که همه من‌ها همه یک‌شکل و یک‌رنگ و یک‌نواخت تبدیل به «ما» شده‌اند. بنابراین تاریخ بشر عبارت است از: تکامل ماها؛ یعنی آن مای اولیه‌ای که براساس پوست، خون، زادن، خویشاوندی، خاک، کار یا وضع اجتماعی تشکیل می‌شد، کم‌کم در طول تکامل بشر، می‌رسد به جایی که ما، براساس اشتراک در اعتقاد و ایمان تشکیل می‌شود که عالی‌ترین تجلی روح دسته‌جمعی بشری است. در نهایت اینکه، آمارهای خودکشی، آمارهای بیماری‌های روانی، تلخی، پوچی، رسیدن به هیچ چیز پس از رسیدن به همه‌چیز، که این‌همه تمدن و جامعه مدرن را رنج می‌دهد، اینها براساس رشد من در ما و ضعیف‌شدن روح ما در جامعه امروزی تحلیل می‌شود که نتیجه آن، همان رشد فردیت در جامعه مدرن است.

در فرایند انجام اعمال و مناسک حج، سه اصل را می‌توان جست و جو کرد: «اصل اول، اصل اتصال است؛ اصل دوم، اصل اجتماع است و اصل سوم نیز اصل حرکت منظم یا مهاجرت برای یک آرمان است». اصل اتصال؛ یعنی در حج دائماً و هرسال، اتصال مجدد انسان‌ها به سرشت و سرنوشت تاریخی و رسالت عظیم انسانی‌شان مشاهده می‌شود. اصل اجتماع، یعنی در مناسک حج، همه مکان خود را ترک کنند و در جایی باهم تصادم فکری داشته باشند؛ من وضعیت اجتماعی خودم را بگویم و او وضعیت اجتماعی خودش را بگوید. تصادم و جمع‌شدن این جامعه‌های پراکنده، روح اجتماعی زنده و اندیشه اجتماعی آگاه پدید می‌آورد. تجمع اصولاً عامل تحرک انسانی، آگاهی و رشد جهان‌بینی اعتقادی بشری است.

در دنیا، کنگره خیلی فراوان است. اما کنگره عظیم حج، با همه تجمع‌ها و کنگره‌های دیگری که در دنیا بوده است، فرق دارد. در تجمع‌ها و کنگره‌های دیگر، نمایندگان طبقات و ملت‌ها که انتخاب و دست‌چین شده‌اند، می‌آیند و جمع می‌شوند. اما در اینجا ملت‌ها و توده‌ها، بی‌نماینده و مستقیم، خودشان به میعادگاه می‌آیند. هر انسانی به نمایندگی خود و جامعه‌اش اینجا دعوت خدایی شده، حاضر می‌شود. اصل حرکت و مهاجرت نیز یعنی از وقتی مناسک حج شروع می‌شود، هیچ توقفی (نظری و عملی) نیست. تمام مناسک حج در حرکت و تغییر معنا می‌یابد؛ از تغییر لباس تا تغییر انجام مناسک در شب و روز.^۱

استخراج و نتیجه‌گیری

تحلیل شعارهای انقلاب اسلامی، خصوصیات جهانی‌شدن و ویژگی‌های مناسک حج
برای تجزیه و تحلیل شعارهای انقلاب اسلامی ایران و خصوصیات پدیده جهانی‌شدن و ویژگی‌های مناسک حج ابراهیمی، از روش «تحلیل محتوا» استفاده شد که برای چنین تحقیقاتی، مناسب‌ترین روش است. قبل از اینکه به بررسی محورها و مقوله‌ها پردازیم، لازم است به چند مطلب مهم اشاره شود: اول اینکه این تحلیل، بیشتر به محتوای شعارها و ویژگی‌ها توجه کرده است تا تحلیل محتوای آشکار آنها. به عبارت دیگر، محقق نمی‌تواند صرفاً بر مبنای یافتن و شمارش کلمات خاصی در شعارها و ویژگی‌ها، آنها را رمزگذاری کند؛ بلکه باید به مضمون‌های نهفته در هر یک از آنها توجه نموده، آن را مبنای داوری خود قرار دهد. روشن است که این کار، هر چقدر هم تعاریف نظری و عملیاتی دقیقی داشته باشد، پایایی تحقیق را کاهش می‌دهد. البته

۱. میعاد با ابراهیم، علی شریعتی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۱.

حتی الامکان سعی شده است از مفاهیم آشکار نیز برای تجزیه و تحلیل استفاده شود. مشکل دیگر این تجزیه و تحلیل آن است که شعارهای انقلاب اسلامی، خصوصیات جهانی شدن و ویژگی های مناسب حج، فقط یک مضمون اصلی ندارند. مقوله هایی وجود دارند که ممکن است دو یا سه و حتی مضمون های بیشتری داشته باشند و در نتیجه، در بیش از یک دسته بندی قرار می گیرند. از آنجاکه از اصول تحلیل محتوا آن است که هیچ مضمونی نباید در بیش از یک مقوله یا زیر مقوله قرار گیرد،^۱ باید برای این مشکل چاره ای اندیشید. البته نگارنده آگاه است که عبارت یا جمله ای که احتمالاً در بیش از یک مقوله قرار می گیرد، واحد ثبت مناسبی برای تحلیل محتوا نیست. در زیر به تحلیل محتوای هریک از سه بخش شعارهای انقلاب اسلامی، خصوصیات پدیده جهانی شدن و ویژگی های مناسب حج می پردازیم:

تحلیل محتوای شعارهای انقلاب اسلامی

با توجه به ۴۹ شعار نمونه و انتخاب شده، مفاهیم، مضامین و معانی زیر استخراج می شود که وجه مشترک و به نوعی درون مایه شعارها را تشکیل می دهند:

۱. اعلان عدم نیاز به هیچ کشوری در دنیا؛
۲. طرد کشورهای غربی (بلوک غرب) و کشورهای شرقی (بلوک شرق) دنیا؛
۳. به کارگیری اسطوره های دینی و تاریخی (امام حسین علیه السلام و یزید) برای طرد کشورهای ثروتمند و بانفوذ دنیا؛
۴. دشمنی علنی با کشورهایی چون آمریکا، انگلیس، شوروی سابق، اسرائیل، چین و...

۵. اعلام سازش ناپذیری همیشگی با کشورهای بزرگ دنیا؛

۱. تحلیل محتوی در علوم اجتماعی و انسانی، آل. آر هولستی، مترجم نادر سالارزاده، ۱۳۷۳، ص ۱۵۴.

۶. تحریم اجناس و کالاهاى کشورهای بزرگ دنیا؛
۷. اعلان کوبیدن و نابودکردن کشورهای بلوک شرق و غرب دنیا؛
۸. پیروزی اسلام و ایران و شکست و نابودی شرق و غرب دنیا؛
۹. تداوم انقلاب ایران در گرو طرد کشورهای غربی و شرقی است؛
۱۰. نابودی انقلاب اسلامی ایران در گرو رابطه‌داشتن با کشورهای غربی و شرقی؛
۱۱. بدبینی زیاد به سرمایه و سرمایه‌دار؛
۱۲. حرام شرعی دانستن هر نوع سازش با کشورهای غربی و شرقی؛
۱۳. مباح‌دانستن حمله به سفارتخانه‌های کشورهای مداخله‌گر در امور داخلی کشور؛
۱۴. خواستار مرگ و نابودی برای رهبران و رؤسای جمهور کشورهای بزرگ دنیا؛
۱۵. حیات و تداوم جمهوری اسلامی ایران در گرو عدم ارتباط با شرق و غرب دنیا؛
۱۶. جهانی‌بودن آزادی.

تحلیل محتوای خصوصیات پدیده جهانی‌شدن و تحولات آن در ایران

با تعاریف، مبانی نظری و خصوصياتی که از پدیده جهانی‌شدن در این مقاله آورده شد، مفاهیم، مضامین و معانی زیر را می‌توان استخراج کرد:

۱. انقلاب در عرصه اطلاعات و رسانه‌ها؛
۲. نقش بیشتر عنصر آگاهی در زندگی مردم؛
۳. افزایش بی‌سابقه مصرف‌گرایی؛
۴. یکی‌نشدن جهان؛
۵. چندفرهنگی‌شدن و عدم تک‌فرهنگی‌گرایی؛
۶. ظهورنیافتن دولت جهان‌گیر؛
۷. تک‌قطبی‌نشدن اقتصاد؛

۸. پذیرش چندجهانی شدن؛
 ۹. بین‌المللی نشدن؛
 ۱۰. اجتناب‌ناپذیر بودن جهانی شدن؛
 ۱۱. پذیرش توأمان پروسه‌ای بودن و پروژه‌ای بودن و عصر جهانی شدن؛
 ۱۲. شیشه‌ای شدن مرزهای جغرافیایی؛
 ۱۳. تودرتو شدن فرهنگ‌ها؛
 ۱۴. گسترش صنعت هم‌زمان ارتباطات و اطلاعات؛
 ۱۵. فشردگی فزاینده زمان، فضا و مکان.
- در ادامه به اثرگذاری و ضرورت پرداختن به پدیده جهانی شدن در ایران می‌پردازیم. با وقوع پدیده جهانی شدن در چند دههٔ اخیر، ایران و ایرانیان هم از این پدیده متأثر شده‌اند. این تأثیر، آگاهانه یا ناآگاهانه، به‌اختیار یا به‌اجبار، در دو سطح جلوه‌گر شده است که در زیر به تحولات و اقدامات صورت گرفته در دو سطح می‌پردازیم:
- الف) در سطح دولت، حاکمیت و برنامه‌ریزی‌های دولتی
۱. گسترش روزافزون کابل‌کشی‌های فیبر نوری، برای تسهیل در امر مخابرات و اینترنت؛
 ۲. کنشگری فعال دولت در سازمان‌های بین‌المللی و مداخله در امور بین‌الملل؛
 ۳. تلاش دولت برای افزایش شبکه‌های رسانه‌ای در داخل و خارج از کشور و سهم‌شدن در توزیع اخبار و اطلاعات جهانی؛
 ۴. مشارکت در تجارت‌های بین‌المللی و حمایت از شرکت‌های داخلی فعال در عرصه بین‌المللی در قالب حمایت از صادرات.
- ب) در سطح مردم و زندگی روزمره (براساس نتایج تحقیقات مختلف)
۱. افزایش کاربران و سرعت اینترنت در کشور؛

۲. افزایش کاربران و متقاضیان تلفن همراه که با وجود گران‌بودن آن نسبت به کشورهای دیگر، از علاقه و تمایل مردم به استفاده از آن کاسته نشده است و روند صعودی دارد؛
۳. افزایش کاربران شبکه‌های ماهواره‌ای در کشور؛ این تحول با وجود محدودیت‌های انتظامی دولت، رو به افزایش است.
۴. افزایش مسافرت‌های خارجی برای مقاصد زیارتی، تحصیلی، تجاری و سیاحتی؛
۵. مشارکت رو به افزایش مجامع علمی - تخصصی کشور و سهم‌شدن آنها در پیشبرد علم در جهان.

تحلیل محتوای ویژگی‌های مناسک حج ابراهیمی

- با توجه به رویکرد اعتقادی، تاریخی، معنوی و اجتماعی مناسک حج ابراهیمی، از گذشته تا حال، نکات زیر برجسته و استخراج می‌گردد:
۱. حج به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فروع دین اسلام؛
 ۲. انجام مناسک حج از گذشته‌های دور، قبل از اسلام؛
 ۳. اهمیت به‌جا آوردن مناسک حج در آیات قرآن و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام؛
 ۴. توحید و انعکاس اجتماعی آن در مناسک حج؛
 ۵. شناخت هم‌زمان توحید و بت‌پرستی در مناسک حج؛
 ۶. حل شدن «من‌ها» در «ما»؛
 ۷. تبدیل شدن «من‌ها» به «ما»؛
 ۸. حرکت از «کثرت» به سمت «وحدت»؛
 ۹. تاریخ بشر عبارت است از تکامل «ما»ها؛
 ۱۰. از بین رفتن تفرقه بین مذاهب اسلامی؛

۱۱. ضعیف‌شدن روح «ما» در جامعه امروزی؛
۱۲. رشد فردیت در جامعه مدرن؛
۱۳. اتصال مستمر انسان‌ها به سرشت و سرنوشت تاریخی؛
۱۴. تضاد و جمع‌شدن جوامع پراکنده؛
۱۵. اجتماع یعنی «کنگره عظیم حج»؛
۱۶. معنایافتن تمام مناسک حج در حرکت، تغییر و مهاجرت.

حرف آخر

با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از فرضیه اصلی مقاله، تأیید شده و بخش دیگر آن تأیید نشده است؛ یعنی اهداف و آمال تجلی‌یافته در شعارهای انقلاب اسلامی ایران با خصوصیات و اهداف پدیده جهانی شدن متفاوت است. اما ویژگی‌ها و شرایط مناسک حج، با ویژگی‌ها و خصوصیات جهانی شدن، شباهت تقریبی دارد. از بررسی چگونگی رابطه ایده اصلی جهانی شدن که از ایدئولوژی نظام سرمایه‌داری منتج شده است با اهداف شعارهای انقلاب اسلامی، به‌رغم هم‌زمانی تقریبی تاریخی وقوع انقلاب اسلامی و تحولات جهانی شدن (در دهه هشتاد میلادی)، در مفاهیم، مضامین و معانی محتوایی این دو پدیده، به تفاوت‌های بارزی دست می‌یابیم. اما باوجود ناهم‌زمانی تاریخی و دوره‌ای شروع انجام مناسک حج و فرایند پدیده جهانی شدن، شباهت‌ها و تقارن‌های فراوانی بین مضامین و محتوای آنها وجود دارد. مهم‌ترین نمونه این تشابه و تقارن، محوریت اصل «وحدت» و به‌حاشیه‌رفتن اصل «کثرت» است. نتیجه حاصل از مقاله، به ما نشان می‌دهد که در زمان وقوع انقلاب اسلامی، به‌دلیل سیاست‌ها و رفتارهای جاه‌طلبانه کشورهای استعمارگر، ذهنیت تاریخی نخبگان و مردم انقلابی، آکنده از بدگمانی و بدبینی به هر نوع کشوری مداخله‌گر و

استعماری است و این ذهنیت، پذیرای هیچ‌گونه نگاه خیرخواهانه‌ای از طرف آنها نیست. با این وجود، این نکته را نیز متذکر می‌شویم که با فاصله گرفتن از زمان وقوع انقلاب اسلامی، تغییرات بسیاری را هم در سطح نخبگان سیاسی و هم در سطح مردم عادی، شاهدیم که این تغییرات، حرکت از تفاوت به سمت تشابه به ایده‌های اصلی جهانی‌شدن و ویژگی‌های مناسک حج ابراهیمی را نشان می‌دهند.

منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابعاد حج در قرآن، ناصر شکریان، تهران، نشر راسخ، ۱۳۸۴.
۲. اسرار حج و مناسک آن، محمد علوی مقدم، تهران، نشر باور، ۱۳۸۱.
۳. به سوی خدا می‌رویم، محمود طالقانی، تهران، شرکت چاپخانه فردوسی، ۱۳۳۲.
۴. پیامدهای مدرنیت، آنتونی گیدنز، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۵. تحلیل محتوی در علوم اجتماعی و انسانی، آل. آر هولستی، ترجمه نادر سالارزاده، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳.
۶. تحوّل انقلابی؛ بررسی نظری پدیده انقلاب، چالمرز جانسون، ترجمه حمید الماسی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۷. تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین، سعیدرضا عاملی، فصلنامه نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۱۸، ۱۳۸۰.
۸. جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، محمدحسین پناهی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۳.
۹. جهانی شدن با کدام هدف؟، هری مگداف و دیگران، ترجمه ناصر زرافشان، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۰.
۱۰. جهانی شدن و آینده دموکراسی، یورگن هابرماس، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۱۱. جهانی شدن و فناوری‌های ارتباطی در ایران پس از انقلاب اسلامی، حسین شرف‌الدین و دیگران،

- فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، شماره ۲۹، انتشارات دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۱.
۱۲. جهانی‌شدن‌ها؛ مفاهیم و نظریه‌ها، سعیدرضا عاملی، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۴، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۳. حجرالاسود، میرزا محمد کاظمینی، تهران، بنیاد فرهنگی - پژوهشی ریحانه الرسول، ۱۳۸۰.
۱۴. خسی در میقات، جلال آل احمد، تهران، نشر معیار علم، ۱۳۸۶.
۱۵. رساله توضیح مناسک حج و عمره به همراه اعمال و مستحبات مکه مکرمه و مدینه منوره، محمود حسینی شاهرودی، قم، نشر بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
۱۶. ره توشه حج، علی ورسه ای و دیگران تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۱.
۱۷. فرهنگ‌گرایی، جهانی‌شدن و حقوق بشر، حسین سلیمی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.
۱۸. کعبه حرم الهی، محمد پروانه، تهران، انتشارات راه نور، ۱۳۸۵.
۱۹. میعاد با ابراهیم، علی شریعتی، مجموعه آثار ۲۹، تهران، انتشارات مونا، ۱۳۶۱.
۲۰. وسائل الشیعه، محمدباقر مجلسی، جلد هشتم، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
21. Albrow, N. (1996) **The Global Age: Cambridge**, Polity press.
22. Bauman, Z. (2001) wars of the Globalization Era: **European Journal of social theory**, 1 (1): 11 – 28
23. Giddens, A. (1991) **Modernity and self Identit**: Cambridge, Polity press.
24. Harvey, D. (1989) **The condition of postmodernity**: oxford, Black well.
25. Held, D. (2000) **A Globalizing word? Culture, Economics, politics**: The open university press Routledge.
26. Kofman, E and Gillian Youngs. (2003) **Globalization. Theory and practice**: London, Press continuum.
27. Robertson, R. (1992) **Globalization**: London, sage press.

28. Schlte, J. A. (2000) **Globalization, a critical introduction**: New York, Published by palyrave.
29. Tomlinson, J. (1991) **Cultural Imperialism**: Baltimore, Johns Hopkins University press.
30. Waters, M. (2001) **Globalization**: London, Routledge press.